

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
پیاده‌سازی	تصحیح و ویرایش اولیه	ذکر مآخذ	ویرایش دوم	تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی

آیاتی در عظمت شأن حضرت زهرا علیها السلام

«إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ؛ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ؛ إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ»^۱

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ وَآبِهَا وَبَعْلِهَا وَبَنِيهَا بِعَدَدِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ»^۲

در روز بسیار بزرگی قرار داریم؛ زادروز «سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ»^۳؛ سرور بانوان تاریخ آفرینش، از آغاز تا پایان؛ سرور بانوان بهشتی؛ دُخت بزرگوار رسول خاتم و گنجینه‌ی سرّ خاتم انبیاء، محمّد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم. این میلاد بزرگ را به محضر فرزند بزرگوار آن حضرت، حضرت بقیّة الله - الاعظم ارواحنا لتراب مقدمه الفداء و به همه‌ی شیفته‌گان و دل‌دادگان آن بانوی بزرگوار، تبریک و تهنیت عرض می‌کنم. امیدوارم خدای متعال توفیق بهره‌گیری از انوار فاطمی را به همه‌ی دوستداران آن

^۱. سوره‌ی کوثر، آیه‌های ۱-۳.

^۲. بحرانی اصفهانی، عوالم‌العلوم، ج ۱۱، ص ۱۴ و ۱۱۴۶ و رحمانی همدانی، احمد، فاطمة الزهراء علیها السلام بهجة قلب المصطفى صلی الله علیه و آله و سلم، تهران: منیر، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۵۲ و انصاری زنجانی خوئینی، اسماعیل، الموسوعة الکبری عن فاطمة الزهراء علیها السلام، قم: دلیل‌ما، ج ۲۲، ص ۵.

^۳. سیّدین طاووس، اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۶۲۴ و مجلسی، بحار، ج ۳۶، ص ۲۲۶ و صدوق، الامالی، ص ۲۶.

بزرگوار، عنایت فرماید و در دنیا و آخرت، ما را با محبت، ولایت و اقتدای به آن بزرگواران علیهم السلام، اهل سعادت قرار دهد.

فاطمه‌ی زهرا علیها السلام راز ناشناخته‌ی عالم وجودند و به تعبیر امام صادق علیه السلام «لَيْلَةُ الْقَدْرِ»^۴ هستی هستند.^۵ همان‌طور که «لَيْلَةُ الْقَدْرِ»، در بین شب‌های سال، گم و ناشناخته است، قدر فاطمه‌ی زهرا علیها السلام هم در عالم خلقت، ناشناخته است. فاطمه‌ی زهرا علیها السلام سرّ بزرگ خدای متعال در جهان خلقتند.

این بانوی بزرگوار در این عالم با گوهر و جوهری بهشتی تکوّن پیدا کردند. در گذشته روایات این بحث را به‌طور مشروح باهم مرور کردیم؛^۶ دیدیم پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله، که گرد عالم کثرت به‌دامان ایشان ننشسته است، و خدیجه‌ی کبری علیها السلام، این بانوی پرهیزکار و چهره‌ی بزرگ بانوان بهشت، وقتی قرار می‌شود مجرای انتقال نور فاطمی علیها السلام به این عالم شوند، علی‌رغم همه‌ی نزهت، پاکی و طهارتی که در تمام مراتب وجودی دارند؛ از جانب خدای متعال، مأمور به چله‌نشینی می‌گردند. در سیروسلوک، سالکان الی‌الله برای اینکه نزهت و پاکی دریافت فیوضات بزرگ الهی را به‌دست آورند، به چله‌نشینی می‌پردازند. رسول خاتم صلی الله علیه و آله با همه‌ی عظمت شأن و طهارت روح، و خدیجه‌ی کبری علیها السلام، این بانوی پاک و نخستین زن مؤمنه، هر دو مأمور می‌شوند یک چله، به‌عبادت بپردازند. خدیجه‌ی کبری علیها السلام در منزل، و رسول خدا صلی الله علیه و آله در غار حراء، چهل شبانه‌روز

^۴. سوره‌ی قدر، آیه‌ی ۱.

^۵. کوفی، تفسیرفات الکوفی، ص ۵۸۱ و مجلسی، بحار، ج ۴۳، ص ۶۵ و بحرانی اصفهانی، عوالم العلوم، ج ۱۱، ص ۹۹.

^۶. آدرس لینک در سایت اهل‌ولاء: مباحث سیره و تاریخ، آشنایی با شخصیت و زندگانی حضرت زهرا علیها السلام.

به عبادت، ذکر و توجّه به خدای متعال مشغولند؛ تا بتوانند آمادگی انتقال نور فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام)، به این عالم را به دست آورند و از همین جا می‌توان بویی از عظمت مقام و شأن فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) را استشمام کرد. پس از چهل روز عبادت، که خدیجه (علیها السلام) با تنهانشینی خود در خانه و پشت در بسته‌ی منزل، چهل روز عبادت، سلوک و تهذیب داشتند و رسول الله (صلی الله علیه و آله) هم چهل روز به تفکر، عبادت و تجرید پرداختند. جبرائیل (علیه السلام) از جانب خدای متعال مأمور می‌شود از بهشت برای افطار پیامبر اکرم و خدیجه‌ی کبری (علیها السلام)، که هر دو آن روز را روزه بودند، طعامی بهشتی بیاورد. پیامبر (صلی الله علیه و آله) به منزل برمی‌گردند؛ درب منزل را می‌زنند. خدیجه (علیها السلام) پس از اینکه متوجّه می‌شوند رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هستند، درب را به روی ایشان می‌گشایند؛ و جبرئیل (علیه السلام) طعام بهشتی را برای افطار آن دو بزرگوار، به محضرشان تقدیم می‌کند. این غذای بهشتی، ماده‌ای است که نطفه‌ی فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) از آن منعقد شد. در روایات باب معراج هم داریم وقتی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، در سفر آسمانی به بهشت تشریف بردند و بهشت با قدوم رسول الله (صلی الله علیه و آله) مزین و مشرف شد، در بهشت جبرائیل (علیه السلام) که همراه رسول الله (صلی الله علیه و آله) بود، سیبی به حضرت تقدیم کرد و ایشان آن سیب را میل کردند. بعدها، پیامبر (صلی الله علیه و آله) این دختر بزرگوار خودشان، فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام)، را در آغوش می‌فشرده و بین دو سینه‌ی ایشان را می‌بوییدند و می‌بوسیدند. وقتی بعضی از همسران حضرت، با تعجّب می‌پرسیدند سنّ فاطمه زیاد شده است؛ این کار شما یعنی چه؟! پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌فرمودند: من بوی سیب بهشتی را از سینه‌ی فاطمه (علیها السلام) استشمام می‌کنم و هرگاه مشتاق بهشت می‌شوم، فاطمه (علیها السلام) را می‌بویم و می‌بوسم؛ لذا، فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) اَنْسِيَةُ الْحَوْرَاءَ، لقب دارند. ایشان انسانی هستند که اصل وجودی‌شان یک حوریّه‌ی بهشتی است و معجونی از ظرفیّت‌های بشری و انسانی، کمالات حوریان بهشتی و لطافت، طهارت و نزهت وجود حوریان بهشتی هستند.

در حالات فاطمه‌ی زهرا علیها السلام نقل شده است، رسول خاتم صلی الله علیه و آله که اشرف مخلوقاتند و همه‌ی عالم به برکت و یمن وجود آن حضرت آفریده شد؛ وقتی این دختر نوجوانشان به محضرشان وارد می‌شدند، در حالی که اصحاب در حضور رسول الله صلی الله علیه و آله نشسته بودند، پیامبر صلی الله علیه و آله تمام‌قد، به احترام فاطمه علیها السلام، قیام می‌کردند؛ بوسه بر دستان فاطمه علیها السلام می‌زدند؛ خم می‌شدند و دستان فاطمه علیها السلام را می‌بوسیدند. بعد هم جای خودشان را خالی می‌کردند؛ فاطمه علیها السلام را به جای خودشان می‌نشاندند و رسول الله صلی الله علیه و آله در کنار فاطمه علیها السلام می‌نشستند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، عظیم‌ترین مخلوق تاریخ آفرینش، این رفتارشان بیان‌گر چه حقیقتی است؟! و با چنین تجلیل و بزرگداشتی که نسبت به فاطمه علیها السلام اعمال می‌کنند، می‌خواهند چه شأن و عظمتی از فاطمه علیها السلام را به اصحاب تفهیم کنند؟! این یک رفتار سنبلیک است و به مقامات بلند فاطمی علیها السلام، در عالم هستی و عوالم وجود اشاره می‌کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد فاطمه علیها السلام فرمودند: «لَوْ كَانَ الْحُسَيْنُ شَخْصًا لَكَانَتْ فَاطِمَةُ بَلًا هِيَ أَعْظَمُ»^۷ اگر تمامی حُسن و خوبی، مجسم و متبلور می‌شد، آن خوبی متبلور فاطمه علیها السلام بود. سپس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «بَلًا هِيَ أَعْظَمُ» بلکه فاطمه علیها السلام از تبلور همه‌ی خوبی‌های عالم وجود هم عظیم‌تر و بزرگ‌تر است. حضرت فرمودند: «إِنَّ فَاطِمَةَ ابْنَتِي خَيْرُ أَهْلِ الْأَرْضِ عُنْصُرًا وَ شَرَفًا وَ كَرَمًا»^۸ دخترم فاطمه هم از نظر عنصر و ماده‌ی وجودی، هم از نظر شرافت و مراتب کمال و هم از نظر کرامت و بزرگواری، بهترین اهل زمین است.

^۷ ابن‌شاذان، مائة منقبة من مناقب أمير المؤمنين والائمة عليه السلام، ص ۱۳۶ و بحرانی اصفهانی، عوالم العلوم، ج ۱۱، ص ۱۲۸.

با جستجو در اینترنت این منبع نیز یافته شد: حموی جوینی، ابراهیم بن محمد، فرائد السمطين، محقق: محمد باقر محمودی، بیروت: مؤسسه‌ی محمودی، ج ۲، ص ۶.

^۸ ابن‌شاذان، مائة منقبة من مناقب أمير المؤمنين والائمة عليه السلام، ص ۱۳۶ و بحرانی اصفهانی، عوالم العلوم، ج ۱۱، ص ۱۲۸ به نقل از: غایة المرام، ۵۱۲ و رواه فی المقتل، ج ۱، ص ۶۰ و فرائد السمطين ج ۲، ص ۶۸ و مودة القربی علی ما فی الإحقاق ج ۱۵، ص ۱۳۳.

پیغمبر اکرم ﷺ، اهل غلو و زیاده‌گویی نیستند؛ آنچه می‌گویند، قول فصل و سخن حق است. پیامبر ﷺ مکرر در شأن این دختر بزرگوار خود فرمودند: «سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ»^۹ سرور همه‌ی بانوان تاریخ آفرینش، از آغاز تا انجام، فاطمه علیها السلام است. همچنین فرمودند: «سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ»^{۱۰} فاطمه علیها السلام سرور همه‌ی بانوان بهشت است.

فاطمه‌ی زهرا علیها السلام در قرآن کریم، مکرر به عظمت مورد اشاره قرار گرفته‌اند. سوره‌ی کوثر را که در طلوعه‌ی عرایض تلاوت کردم، یکی از مصادیق این بحث است. خدای متعال به رسول خاتم ﷺ اعلام می‌کنند: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» ما خیر کثیر، خیر بسیار عظیم و فراوانی، به تو عنایت کردیم. «فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ» پس به شکرانه‌ی این عطیه‌ی الهی، برای پروردگار خود نماز گزار و قربانی کن! «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ»^{۱۱} کسی که به تو گوشه و کنایه می‌زند، تو را ابتر می‌خواند و گمان می‌کند چون فرزند پسری از تو به‌جای‌نمانده است، بعد از تو نسل تو قطع خواهد شد و نور تو به‌خاموشی خواهد گرایید، «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» همان فردی که به تو کنایه می‌زند، گرچه خود او دو پسر دارد؛ اما اوست که نسلش قطع خواهد شد و فرزندی از نسل او باقی نخواهد ماند؛ اما از نسل تویی رسول الله ﷺ، فرزندان بسیاری در این عالم، به‌وجود خواهند آمد. همین سخن خدا، در صحنه‌ی تاریخ هم مصداق پیدا کرد. هردو پسر آن‌فرد، نازا و بدون فرزند از دنیا رفتند و فاطمه‌ی زهرا علیها السلام منشاء تمام ساداتی هستند که در همه‌ی دنیا پراکنده‌اند. اکنون شما در همه‌ی کشورهای دنیا بروید، از نسل فاطمه‌ی زهرا علیها السلام افرادی را می‌بینید. فرزندان فاطمه علیها السلام تنها محدود به کشور

^۹. سید بن طاووس، اقبال‌الاعمال، ج ۲، ص ۶۲۴ و مجلسی، بحار، ج ۳۶، ص ۲۲۶ و صدوق، الامالی، ص ۱۱۳.

^{۱۰}. مجلسی، بحار، ج ۲۲، ص ۵۳۶ و فیض کاشانی، الوافی، ج ۱۴، ص ۱۵۵۴ و صدوق، الامالی، ص ۱۲۵.

^{۱۱}. سوره‌ی کوثر، آیات ۱-۳.

شیعی یا محدود به کشورهای اسلامی نیستند؛ آنها در همه جای دنیا حضور دارند؛ ولو اینکه ممکن است بعضی از کسانی که از نسل فاطمه علیها السلام باشند، امروز در صورت ظاهر، مسلمان نباشند؛ مسیحی و یا پیرو آئین دیگری باشند؛ اما نسل فاطمه‌ی زهرا علیها السلام جهان گیر شد و این بشارتی بود که قرآن کریم در برابر کنایه‌ها و گوشه‌زدن‌های مشرکین و کفار به پیامبر صلی الله علیه و آله داد.

آیات فراوانی در قرآن در عظمت شأن حضرت زهرا علیها السلام وجود دارد. آیه‌ی تطهیر که در شأن اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام نازل شد، فاطمه‌ی زهرا علیها السلام یکی از چهارتنی هستند که در این آیه به منزله‌ی اهل بیت پیامبر علیهم السلام، مورد اشاره قرار گرفته‌اند: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»^{۱۲} هر آینه خدای متعال اراده کرده است شائبه‌ی هرگونه آلودگی و پلیدی را از شما اهل بیت، نفی کند و شما را به طور مطلق و کامل، پاک و مطهر قرار دهد. اکنون جای بحث‌های کلامی نیست؛ و الاً ادله‌ی فراوانی را از تفاسیر بزرگان اهل سنت و از کتاب‌های لغویون بزرگ آنها می‌آوردم، که تأکید کرده‌اند این آیه‌ی شریفه، دلالت بر عصمت اهل بیت پیامبر علیهم السلام دارد. اکنون نمی‌خواهم وارد این بحث شوم؛ اما بزرگانی چون سیوطی در کتاب "در المنثور" خود و دیگران؛ تأکید بر این دارند که این آیه، دلالت بر عصمت اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله دارد؛ در حالی که این اشخاص شخصیت‌های بزرگ و از دانشمندان بزرگ اهل سنتند. از لغویون بزرگشان هم تأکید بر این مسأله دارند، که واژه‌ی «رجس» که در این آیه‌ی شریفه آمده است، مطلق همه‌ی آلودگی‌ها و انحرافات را شامل می‌شود؛ و تطهیر از رجسی که در این آیه، بر آن تأکید شده است، طهارت مطلق اهل بیت علیهم السلام را از هرگونه انحراف، خطا، نقص و عیبی اثبات می‌کند؛ و در نتیجه، این آیه، دلالت بر عصمت اهل بیت پیامبر علیهم السلام دارد. حتی در المنثور سیوطی، حدیثی را از ابن عباس و او از

^{۱۲}. سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۳۳.

پیغمبر اکرم ﷺ نقل می کند، که می گوید: پیامبر اکرم ﷺ، آیهی تطهیر را تلاوت کردند و سپس فرمودند: «أَنَا وَ أَهْلُ بَيْتِي مُطَهَّرُونَ مِنَ الذُّنُوبِ»^{۱۳} در نتیجهی این آیه، من رسول الله و اهل بیت من از گناهان پاک و مطهریم.

اما اهل بیت رسول الله ﷺ چه کسانی هستند؟! منابع اهل سنت، به روشنی این مسأله را هم تبیین می کند. برخی به خاطر محلی که آیهی تطهیر، یعنی آیهی سی و سه سورهی احزاب، در آن قرار گرفته است، که پیش از آن، چند آیه در رابطه با همسران رسول خدا ﷺ است، و یک آیه بعد از آن، یعنی آیهی سی و چهار، هم در رابطه با همسران رسول خدا ﷺ است؛ تلاش کردند بگویند آیهی تطهیر، ناظر بر همسران پیامبر اکرم ﷺ است؛ در حالی که این تلاش بسیار مذبحانه ای است. بزرگان اهل سنت، این آیه را دال بر عصمت اهل بیت رسول الله ﷺ دانسته اند. بسیار جالب است که وقتی شما از چهار، پنج آیه قبل از آیهی سی و سه، شاید از آیهی بیست و شش شروع به تلاوت کنید،^{۱۴} می بینید قرآن کریم همسران رسول خدا ﷺ را مخاطب قرار می دهد و به آنها می گوید: اگر حاضر نیستید با ساده زیستی و وارسته گی پیامبر ﷺ کنار بیایید، طالب زندگی های اشرافی، تجملات، زر و زیورهای دنیوی هستید، بیایید پیامبر ﷺ، مهریه ی شما را به شما

^{۱۳}. مجلسی، بحار، ج ۱۶، ص ۱۲۰ و عروسی حویزی، نورالثقلین، ج ۵، ص ۹۷ و اربلی، کشف الغمّه، ج ۱، ص ۱۳.

^{۱۴}. سورهی احزاب، آیات ۲۶-۳۴.

«وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صِيَاصِيمٍ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ قَرِيبًا تَقْتُلُونَ وَ تَأْسِرُونَ قَرِيبًا؛ وَ أَوْرَثَكُمْ أَرْضَهُمْ وَ دِيَارَهُمْ وَ أَمْوَالَهُمْ وَ أَرْضاً لَمْ تَطُوهَا وَ كَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا؛ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزَاجِكُنَّ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَ أُسَرِّحْكُنَّ سَرَاحاً جَمِيلاً؛ وَ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الْآخِرَةَ فَلَا تَزَالُ الْآخِرَةُ فَلَانِ اللَّهُ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَّ أَجْراً عَظِيماً؛ يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَ كَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيراً؛ وَ مَنْ يَقْنُتْ مِنْكُنَّ لِلَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ تَعْمَلْ صَالِحاً نُؤْتِهَا أَجْزَهَا مَرَّتَيْنِ وَ أَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقاً كَرِيماً؛ يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَ قُلْنَ قَوْلاً مَعْرُوفاً؛ وَ قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَ لَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَ اقِمْنَ الصَّلَاةَ وَ آتِينَ الزَّكَاةَ وَ اطِيعْنَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ إِنَّا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً؛ وَ أَذْكُرُنَّ مَا يُثَلَّى فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَ الْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفاً خَبِيراً»

می‌دهد و به‌خوبی و خوشی، شما را طلاق می‌دهد. شما هم بروید با مرد متمول دنیاطلبی ازدواج کنید! رسول ما، پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله، اهل دنیاطلبی، تجملات و تشریفات نیست؛ اما متقابلاً اگر شما هم با پیامبر صلی الله علیه و آله، در این ساده‌زیستی، همراهی کنید، خدای متعال اجر عظیمی برای شما در نظر می‌گیرد. سپس آیات، پی‌پی و یکی‌درمیان، مدام زنانی را که نقیصه‌ها و ضعف‌هایی در آنها وجود دارد، مورد تهدید قرار می‌دهد: «مَنْ يَأْتِ مِنْكُمْ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ»^{۱۵} هر یک از شما آشکارا عمل زشت و خلاف اخلاقی مرتکب شوید، خدای متعال، دوبرابر زنان دیگر، شما همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله را عذاب خواهد کرد و این‌کار برای خدا بسیار ساده است. پس از آن در برابر می‌گویند اگر شما، مطیع پیامبر و خدا باشید، خدای متعال به شما پاداش عظیمی می‌دهد.^{۱۶} همین‌طور به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله تأکید می‌کند: بدانید! اگر شما تقوا پیشه کنید، هیچ زنی به پای شما نخواهد رسید؛ اما اگر تقوا پیشه نکنید، ماجرا این‌گونه نیست. به آنها تأکید می‌کند: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى»^{۱۷} در خانه‌ها، قرار و آرام بگیرید و مثل زنان دوران جاهلیت نخستین، خودنمایی و جلوه‌فروشی نکنید، خود را در معرض دید دیگران قرار ندهید و در گفتگوی با مردهای نامحرم، با صدای آهنگین و تحریک‌کننده سخن نگویند!^{۱۸}

این نکته‌ها، خوب نشان می‌دهد همسران پیامبر صلی الله علیه و آله، معصوم نیستند و در معرض چنین خطاهایی قرار دارند! درحالی‌که بزرگان تفسیر و لغت قرآنی اهل سنت می‌گویند آیه‌ی تطهیر بر

^{۱۵}. سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۳۰.

^{۱۶}. سوره‌ی احزاب، آیه ۳۱: «وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَفْعَلْ لِنَفْسِهِ عَذَابًا مُّهِينًا وَتَعْمَلُ صَالِحًا نُؤْتَاهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَاعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا».

^{۱۷}. سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۳۳.

^{۱۸}. سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۳۳: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّبَعْتُنَّ فَلَا تَحْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا».

عصمت اهل بیت علیهم السلام دلالت دارد و بهترین شاهد بر اینکه اهل بیت علیهم السلام، همسران رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نیستند، آیات قبل از آیهی سی و سه است؛ که بر نقص‌ها، لغزش‌ها و انحرافات در برخی از همسران رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم دلالت می‌کند. مضافاً بر اینکه آیات فراوان دیگری در قرآن داریم، که خدای متعال حتی به برخی از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وعده‌ی عذاب می‌دهد. آیات سوره‌ی تحریم را مطالعه کنید! آیات بسیار عجیبی است! بنابراین، خوب می‌توان فهمید که مقصود از اهل بیت آیه‌ی تطهیر، همسران رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نیستند.

قرینه‌ی دیگری هم که در این آیات وجود دارد و مسأله را بسیار شفاف توضیح می‌دهد، ضمایی است که در این آیات به کار رفته است. تمام آیات، تا قبل از آیه‌ی سی و سه سوره‌ی احزاب و تا قبل از جمله‌ی «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ»^{۱۹} تماماً، به صیغه‌ی جمع مؤنث است؛ «یا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنَّ اتَّقِيْنَ»^{۲۰} ببینید! تمام صیغه‌ی جمع مؤنث است. همین‌طور آیه‌ی: «یا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ»^{۲۱} خطاب به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، با صیغه‌ی جمع مؤنث است؛ اما به محض اینکه به عبارات آیه‌ی تطهیر می‌رسید، صیغه‌ی جمع مذکر است: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ، «وَيُطَهِّرَكُم»؛ و این به خوبی نشان می‌دهد که مصداق این آیات، غیر از آیات قبل و آیه‌ی بعد از آن است.

^{۱۹}. سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۳۳.

^{۲۰}. سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۳۲.

^{۲۱}. سوره‌ی احزاب، سوره‌ی ۳۰.

بزرگان اهل سنت هم در جوامع حدیثی‌شان احادیث فراوانی از پیامبر ﷺ نقل کرده‌اند، که به روشنی تبیین می‌کند اهل بیت ﷺ چه کسانی هستند:

در صحیح مسلم، که در نزد اهل سنت یکی از بزرگ‌ترین و معتبرترین کتاب‌های حدیث است، از زید بن ارقم نقل کرده است، که می‌گوید زید بن ارقم از قول رسول الله ﷺ نقل کرد: پیامبر ﷺ می‌فرمودند: من شما را در مورد اهل بیتم ﷺ، سفارش می‌کنم؛ که به خاطر خدا، حقوق آنها را مراعات کنید. سپس اصحاب از زید بن ارقم می‌پرسند مقصود رسول الله ﷺ از اهل بیت ﷺ، همسران او بودند؟! زید بن ارقم می‌گوید نه! بعد از طلاق ارتباط همسر با شوهر قطع می‌شود. تطهیری که در این آیه بر آن تأکید شده است، چیز موقتی‌یی نیست که قابل قطع شدن و از بین رفتن باشد! مقصود از اهل بیت پیامبر ﷺ، کسانی هستند که صدقه بر آنها حرام است و نسل رسول الله ﷺ هستند. این احادیث، در کتاب‌های بزرگ اهل سنت است و به خوبی نشان می‌دهد مقصود از این آیه، همسران رسول الله ﷺ نیستند.

یا حاکم نیشابوری در کتاب "مستدرک الصحیحین" خود، که آن هم از معتبرترین کتاب‌های حدیثی اهل سنت است، از اُمّ سلمه که یکی از همسران رسول الله ﷺ است و از همسران شایسته و وارسته‌ی حضرت هم هست (چون در همسران پیغمبر ﷺ افراد ناجور هم بودند؛ که قرآن، هم در این آیات سوره‌ی احزاب و هم تندتر از آن، در آیات سوره‌ی تحریم، با لحن‌های تند، راجع به آنها صحبت کرد؛ اما، اُمّ سلمه از زنان شایسته و وارسته‌ی پیامبر خدا ﷺ است. از اُمّ سلمه)، نقل می‌کند: اُمّ سلمه می‌گوید: وقتی آیه‌ی تطهیر بر رسول الله ﷺ نازل می‌شد، پیامبر ﷺ در حُجره و اتاق من بودند. پس از اینکه آیه به رسول الله ﷺ نازل شد، پیامبر ﷺ به من فرمودند: اُمّ سلمه! برو علی، فاطمه، حسن و حسین ﷺ را صدا بزن، اینجا بیایند. من آنها را خبر کردم و

آنها هم به محضر رسول الله ﷺ آمدند. پیامبر ﷺ، آنها را در کنار خودشان جمع کردند؛ دست به سوی آسمان بلند فرمودند و به خدای متعال عرضه داشتند: «اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي»^{۲۲} خدایا! اهل بیت من، اینها هستند. اُمّ سَلَمَه می گوید من خدمت رسول الله ﷺ عرض کردم: یا رسول الله! یا رسول الله! آیا من جزء اهل بیت شما نیستم؟! می گوید پیامبر ﷺ فرمودند: ای اُمّ سَلَمَه! تو بانوی بسیار شایسته و خانم بسیار وارسته ای هستی؛ اما در مورد اهل بیتی ﷺ که در این آیه آمده است، نه؛ تو جزء آنها نیستی. این حدیث در معتبرترین کتاب های حدیثی اهل سنت است. اُمّ سَلَمَه همسر پیامبر ﷺ هستند. خود پیغمبر ﷺ می گویند تو جزء اینها نیستی؛ اهل بیت من، علی، فاطمه و حسنین ﷺ هستند.

یکی از رهبران مذاهب فقهی چهارگانه اهل سنت، به نام احمد بن حنبل، که رهبر حنابه است، کتابی به نام "مسند" دارد؛ که احادیث رسول الله ﷺ را با سند از ایشان نقل کرده است. در همین کتاب "مسند احمد حنبل" آمده است بعد از اینکه آیه ی: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ»^{۲۳} اهل خودت را به نماز امر کن! به پیامبر ﷺ نازل شد، پیامبر ﷺ هربار که می خواستند برای نماز به مسجد تشریف ببرند (چون درب خانه ی علی و فاطمه ﷺ، درون مسجد باز می شد)؛ پیامبر ﷺ می آمدند جلوی درب منزل علی و فاطمه ﷺ، حتی بنابه بعضی از روایات، دست ها را به چهارچوب درب می گرفتند، روبه خانه ی فاطمه و علی ﷺ، این آیه ی شریفه را تلاوت می کردند: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»^{۲۴}؛ و سپس می فرمودند: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ

^{۲۲}. مجلسی، بحار، ج ۱۰، ص ۱۴۱ و صدوق، الامالی، ۴۳۷ و طوسی، محمد بن الحسن، الامالی، ص ۵۶۵.

^{۲۳}. سوره ی طه، آیه ی ۱۳۲.

^{۲۴}. سوره ی احزاب، آیه ی ۳۳.

بَيِّنِ التَّيْبَةَ ...؛ الصَّلَاةُ»^{۲۵} سلام بر شما، ای اهل بیت نبوت، نماز! نماز! چون آیه امر کرده بود: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ» خاندان و اهل خودت را به نماز امر کن! پیامبر ﷺ سال‌های سال، هربار که برای نماز جماعت، به مسجد می‌رفتند، این کار را تکرار می‌کردند؛ یعنی با این عملشان، به‌طور شفاف، مشخص کردند که مقصود از اهل بیت آیه‌ی تطهیر، چه کسانی هستند.

احادیثی که عرض کردم، در معتبرترین کتاب‌های حدیثی اهل سنت است؛ پس، شکی در این نیست که مقصود از اهل بیت ﷺ، همسران رسول الله ﷺ نیستند؛ بلکه مقصود علی، فاطمه و حسنین ﷺ هستند. یکی از آیاتی که شأن والای عصمت را، برای فاطمه‌ی زهرا ﷺ اثبات می‌کند، همین آیه‌ی تطهیر است. آیه‌ی تطهیر، دلالت بر عصمت دارد و فاطمه‌ی زهرا ﷺ هم، یکی از همین اهل بیتی هستند که آیه، عصمت آنها را به‌صراحت مطرح کرد.

از آیات دیگری که در قرآن کریم، به شأن والای فاطمه‌ی زهرا ﷺ هم اشاره‌ای دارد، آیه‌ی مباحله است. بعد از اینکه قدرت رسول الله ﷺ، تثبیت و حکومت ایشان تحکیم شد؛ پیامبر ﷺ به مناطق اطراف و فرمان‌روایان و رؤسای قبایل و طوایف نامه نوشتند و آنها را به اسلام دعوت کردند. از جمله، نامه‌ای به اسقف اعظم مسیحیان نجران نوشتند؛ و مسیحیان را به پذیرش اسلام دعوت کردند. نجران منطقه‌ای در نزدیکی مرز یمن است، که در آن زمان مسیحی‌نشین بود. هنگامی که نامه به دست اسقف رسید، کشیش‌ها و راهبه‌ها را جمع کرد و با آنها مشورت نمود. گفت چنین نامه‌ای آمده است؛ نمی‌دانیم نویسنده‌ی این نامه کیست و او را نمی‌شناسیم. پس از مشورت، به این نتیجه رسیدند هیئتی را به مدینه اعزام کنند؛ تا ببینند نویسنده‌ی این نامه

^{۲۵}. مجلسی، بحار، ج ۳۵، ص ۲۱۶ و کوفی، تفسیر فرات الکوفی، ص ۳۳۹ و علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، نهج الحق، ص ۱۷۵.

کیست و حرف حساب او چیست؟! اسقف با تعدادی از کشیش‌ها و راهبه‌ها به مدینه آمدند؛ سه‌روز در مدینه، با پیامبر ﷺ مذاکره کردند و به‌طور روشن، مشخص شد پیامبر ﷺ، فرستاده‌ی خداست و دین جدیدی از جانب خدا آمده است. وقتی مسأله برایشان اثبات شد، پیامبر ﷺ فرمودند باید مسلمان شوید؛ اما آنها زیر بار نرفتند. مسأله به بن‌بست برخورد کرد. برای گشودن این بن‌بست، به پیامبر اکرم ﷺ آیه‌ای نازل شد: «فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ ابْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ»^{۲۶} خدای متعال به رسول الله ﷺ امر کرد: به سرکرده‌ی مسیحیان نجران بگو بیاوید ما دعوت کنیم؛ شما هم دعوت کنید. ما پسرانمان را دعوت کنیم، شما هم پسرانتان را. ما زنانمان را دعوت کنیم، شما هم زنانتان را. ما کسانی را که به‌منزله‌ی خودمان هستند، دعوت کنیم، شما هم چنین کسانی را دعوت کنید. سپس مباحله کنیم و از خدای متعال بخواهیم لعنت، نفرین و عذاب خود را بر هریک از ما دو گروه که دروغ می‌گوییم، نازل کند. به این کار مباحله می‌گویند. اسقف اعظم مسیحیان نجران، پیشنهاد را پذیرفت. مقرر شد در نقطه‌ای بیرون شهر مدینه، مباحله انجام شود. در آن روز پیامبر اکرم ﷺ به همراه خود، امیرالمؤمنین، فاطمه‌ی زهرا و حسنین علیهم‌السلام را به این صحنه بردند و آن‌طور که تاریخ نقل می‌کند، عده‌ی زیادی از کشیش‌ها و راهبه‌ها، همراه اسقف در آن نقطه حاضر شده بودند. (در حال حاضر آن نقطه، به دلیل توسعه‌ی شهر مدینه، داخل شهر افتاده است و در آنجا مسجدی به نام "مباحله" ساخته‌اند. ان شاء الله، عزیزانی که برای حج یا عمره مشرف می‌شوند، یا در گذشته مشرف شده‌اند، آنجا را خواهند دید و یا دیده‌اند). این گروه عظیم مسیحیان، چشم‌به‌راه بودند که از طرف مسلمان‌ها چه کسی می‌آید؟! بعد از مدتی، از دور، سیمای رسول الله ﷺ آشکار شد. دو پسر بچه،

^{۲۶}. سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۶۱.

همراه ایشانند؛ یکی در آغوش ایشان و دیگری هم پیامبر ﷺ دست ایشان را گرفته‌اند. یک‌دختر جوان پشت‌سرشان است و یک‌مرد جوان هم پشت سر ایشان؛^{۲۷} اما هاله‌ای از شکوه و جلال الهی، این پنج‌تن را احاطه کرده است. وقتی اسقف اعظم مسیحیان نجران، این صحنه را دید، پشتش لرزید؛ چون، از یک‌طرف می‌دانست و در گفتگوها و مناظرات، کاملاً ثابت شده بود که این شخص، پیامبر ﷺ است؛ و دروغ‌گو، مسیحیان هستند که پیامبری او را نمی‌پذیرند و از طرف‌دیگر، این صحنه‌ی تکان‌دهنده و عجیب، خوب خبر می‌دهد اگر مباحله اجرا شود، عذاب می‌آید و همه‌ی مسیحیان را از بین می‌برد؛ لذا قبل از اینکه پیامبر ﷺ برسند، با کشیش‌ها و راهبه‌ها صحبت کرد و گفت: ما که می‌دانیم حق با این شخص است. این صحنه‌ای هم که من می‌بینم، یقین دارم اگر او نفرین کند، یکی از ما زنده نخواهیم ماند! بیا بید دُبه در بیاوریم و بگوییم حاضر به مباحله نیستیم! زمانی که پیامبر ﷺ رسیدند، مسیحیان گفتند: ما حاضر به مباحله نیستیم. راه حل دیگری را پیشنهاد کنید؛ آن را می‌پذیریم. پیامبر ﷺ فرمودند: دو راه بیش‌تر ندارید؛ یا مسلمان شوید و یا اگر می‌خواهید مسیحی بمانید، حکومت اسلامی را به رسمیت بشناسید و به دولت اسلامی مالیات و جزیه دهید. آنها راه حل دوم را پذیرفتند و مسأله حل شد.

یکی از شخصیت‌هایی که در آیه‌ی مباحله به‌مثابه شخصیت برجسته‌ی الهی و نماینده‌ی تمام‌عیار تمامیت دین و اسلام مطرح است، فاطمه‌ی زهرا علیها السلام هستند؛ که به‌اعتبار «نساءنا»، مخاطب این آیه و مورداشاره‌ی آن هستند.

^{۲۷}. مجلسی، بحار، ج ۳۵، ص ۲۵۸ و کشف‌الغمة، اربلی، ج ۱، ص ۲۳۴ و محدث‌قمی، سفینه‌البحار، ج ۱، ص ۴۱۷. «فَاتُوا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَ قَدْ غَدَا مُخْتَضِئاً الْحُسَيْنَ عليه السلام أَخْذاً بِبَدَنِ الْحَسَنِ عليه السلام وَ فَاطِمَةُ عليها السلام تَمْشِي خَلْفَهُ وَ عَلِيٌّ عليه السلام خَلْفَهَا»

در قرآن کریم آیات متعدّد دیگری هم داریم؛ که به حضرت زهرا علیها السلام اشاره دارند. آیات سوره‌ی «هَلْ أَتَى» که در ماجرای بیمارشدن حسنین علیهما السلام و نذری که امیرالمؤمنین و فاطمه علیهما السلام و فضّه علیها السلام، خادمه‌ی این خانواده کردند؛ که اگر خدای متعال حسنین علیهما السلام را شفاء دهد، سه‌روز روزه بگیرند. پس از شفاء یافتن حسنین علیهما السلام آنها سه‌روز، روزه گرفتند؛ اما هر روز به‌هنگام افطار، کسی دم در آمد و تمنّای کمک کرد. «و يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا»^{۲۸} یک‌روز، فردی گفت: من، مسکین، فقیر و درمانده‌ام. به‌من طعامی دهید. امیرالمؤمنین، فاطمه‌ی زهرا، حسنین و فضّه‌ی خادمه علیها السلام، همگی تنها قرص نانی را که برای افطاری و سحری داشتند، به مسکین دادند. روز دوم، فردی آمد، گفت: من یتیمم. باز هم این خانواده به همراه فضّه‌ی خادمه با آب افطار کردند و با آب هم سحر نمودند و قرص نان‌شان را به آن فرد یتیم دادند. روز سوّم فردی آمد، گفت: من اسیرم. باز هم، همین‌کار انجام شد. پس از اینکه سه‌بار این‌کار انجام شد، سوره‌ی «هَلْ أَتَى» بر رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نازل گردید و این خاندان پاک را به‌عظمت ستود. ستایش‌هایی که در سوره‌ی «هَلْ أَتَى» است، بسیار برجسته است. عزیزان، مراجعه کنند و به‌طور مکرّر آیات را با دقّت بخوانند و تأمل کنند. فاطمه‌ی زهرا علیها السلام یکی از شخصیت‌هایی هستند که در شأن ایشان، سوره‌ی «هَلْ أَتَى» نازل شده است.

یا آیه‌های «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ؛ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ»^{۲۹} این دو آیه هم اشاره به دو دریای نبوّت و ولایت دارد؛ که برزخی بین آن دو است و هیچ‌یک از آنها به‌دیگری تجاوز و در دیگری پیشرفت

^{۲۸}. سوره‌ی انسان (دهر، هَلْ أَتَى)، آیه‌ی ۸.

^{۲۹}. سوره‌ی الرّحمن، آیه‌های ۱۹ و ۲۰.

نمی‌کند. این مرزی بین آن دو است؛ فاطمه‌ی زهرا علیها السلام برزخ بین دو دریای نبوت و ولایت هستند. در قرآن کریم آیات فراوانی در عظمت شأن این بانوی بزرگوار اسلام علیها السلام است.

دو حدیث دیگر را، یکی از امام عسگری علیه السلام و دیگری از فرزند بزرگوار امام عسگری، امام زمان علیه السلام، نقل کنم:

از امام عسگری علیه السلام روایت شده است فرمودند: «نَحْنُ حُجَجُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ»^{۳۰} ما ائمه حجّت‌های خدا بر خلقیم. «وَ [جَدَّتْنَا] فَاطِمَةُ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْنَا»^{۳۱} و فاطمه علیها السلام حجّت خدا بر ما ائمه‌ی معصومین علیهم السلام است. این، نشان‌دهنده‌ی عظمت شأن فاطمه علیها السلام است. فاطمه علیها السلام «حُجَّةُ الْحُجَجِ»^{۳۲} هستند.

و این حدیث را هم، مکرّر برای دوستان خوانده‌ام؛ که امام عصر ارواحنا فداه فرمودند: «فِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِي أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»^{۳۳} در وجود دختر رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، برای من امام عصر ارواحنا فداه، بهترین الگو، برای تأثی و اقتدا است. امام عصر ارواحنا فداه، اسوه‌ی همه‌ی جهانیان و فاطمه علیها السلام اسوه‌ی امام-عصر ارواحنا فداه هستند.

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به سلمان فارسی رضی الله عنه فرمودند: وقتی فاطمه علیها السلام وارد بهشت می‌شود و مقامات عظیم بهشتی خود را نگاه می‌کند، حمد و ثنای الهی را به جا می‌آورد. در این هنگام خدای متعال به

^{۳۰}. مجلسی، بحار، ج ۲۲، ص ۴۴۱ و فیض کاشانی، الوافی، ج ۳، ص ۵۰۰ و عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۶۲.

^{۳۱}. بحرانی اصفهانی، عوالم العلوم، ج ۱۱، ص ۱۰۳۰ و طیب، سید عبدالحسین، اطبیب البیان، ج ۱۳، ص ۲۲۵.

^{۳۲}.

^{۳۳}. مجلسی، بحار، ج ۵۳، ص ۱۸۰ و طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۶۷ و طوسی، محمد بن الحسن، الغیبه، ص ۲۸۶.

فاطمه علیها السلام وحی می‌کند: «سَلِّبْنِي أُعْطِكَ وَ تَمَنِّي عَلَيَّ أَرْضِيكَ»^{۳۴} خدای متعال می‌فرماید: ای فاطمه! از من درخواست کن، تا به تو عطا شود! هرچی می‌خواهی، از من بخواه! و چیزی را از من خدا آرزو کن، تا من در حدی که تو راضی شوی، آرزوی تو را برآورده کنم. در حدیث هست که فاطمه‌ی زهرا علیها السلام به محضر احدیّت عرض می‌کنند: «الْهِيَ أَنْتَ الْمُنَى وَ فَوْقَ الْمُنَى» خدایا! تو امید و آرزوی منی، و فوق همه‌ی آرزوهایی! چون خدای متعال فرمود تمنا و آرزو کن؛ پس، بزرگ‌ترین آرزوی فاطمه علیها السلام، خودِ خداست. منتها در ادامه، فاطمه علیها السلام عرضه می‌دارند: «أَسْأَلُكَ أَنْ لَا تُعَذِّبَ مُجِبِّي وَ مُحِبَّ عِزَّتِي بِالتَّارِ» پروردگارا! از تو درخواست می‌کنم در این روز (قیامت) دوست‌داران من فاطمه، و دوست‌داران عترت، خاندان و فرزندان مرا عذاب نکنی. «فَيُوحِي اللَّهُ إِلَيْهَا» خدای متعال در پاسخ فاطمه علیها السلام می‌فرماید: «يَا فَاطِمَةُ وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي وَ ارْتِفَاعِ مَكَانِي» ای فاطمه! سوگندبه عزّتم، شکوه و جلالم و مقام بلند و رفیعم! «لَقَدْ آتَيْتُ عَلَى نَفْسِي مِنْ قَبْلِ أَنْ أَخْلُقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ بِالْقِيَامِ أَنْ لَا أُعَذِّبَ مُجِيبِكَ وَ مُجِبِّي عِزَّتِكَ بِالتَّارِ»^{۳۵} هزارسال، پیش از آنچه آسمان‌ها و زمین را خلق کنم، من خدا سوگند یاد کردم دوست‌داران توی فاطمه و دوست‌داران عترت تو را با آتش دوزخ عذاب نکنم.

این هم، وعده و بشارت و عیدی بزرگی که به دوست‌داران فاطمه علیها السلام داده شده است. فاطمه علیها السلام ای که حتّی کتب آسمانی قبل، به عظمت شأن ایشان اشاره دارند. شما مراجعه کنید، در کتاب تورات، اوّلین کتاب و بخش کتاب تورات، سفر تکوین است. تورات در سفر تکوین اشاره می‌کند به بانوی بزرگواری که یازده فرزند بزرگوار و نور پاک، از ایشان به وجود می‌آیند و این اشاره به فاطمه‌ی زهرا علیها السلام است.

^{۳۴}. مجلسی، بحار، ج ۲۷، ص ۱۴۰ و بحرانی، البرهان، ج ۴، ص ۵۵۳ و استرآبادی، تأویل الآیات الظّاهرة، ص ۴۷۴.

^{۳۵}. مجلسی، بحار، ج ۲۷، ص ۱۴۰ و بحرانی، البرهان، ج ۴، ص ۵۵۳ و استرآبادی، تأویل الآیات الظّاهرة، ص ۴۷۴.

یا در مکاشفات یوحنا، که از ملحقات انجیل است، می‌بینید که یوحنا، جزء مکاشفاتش بیان می‌کند: علامت عظیمی در آسمان ظاهر می‌شود و آن علامت، یک زن و بانویی است که آفتاب، بالای سر او، ماه زیر پای او و دوازده ستاره بر سر اوست. اینها اشاراتی به فاطمه‌ی زهرا علیها السلام در کتاب‌های آسمانی قبل از قرآن کریم است.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ